

جرم‌سیاسی

دکتر محمدعلی اردبیلی*

پیش از هر چیز بر خود فرض می‌دانم که از مسئولان محترم دانشگاه به خاطر ترتیب دادن چنین نشست‌تی تشکر کنم.

در طول این هفته مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای را گذاراند و به جزئیات طرحی رأی داد که باید آن را از عالی‌ترین مصوبه مجلس قانونگذاری در کل ۹۲ یا ۹۳ سال اخیر، یعنی دوره قانونگذاری تلقی کرد. هرچند پیش از آن درباره این مصوبه حقوقدانان و هم‌چنین احزاب و جمعیت‌ها اظهار نظرهای گوناگونی در دو یا سه اخیر کرده بودند و نظریات خودشان را بیان کرده بودند و در رسانه‌ها منعکس شده بود.

این هفته شاید به دلیل انتخابات که موضوع مهمی است و اخبار آن و نیز به علت سخنان نامزدهای انتخاباتی، جای کمی در روزنامه‌ها به بحث درباره «جرم سیاسی» اختصاص داده شد و صرفاً خبرنگاران وقایعی را که در مجلس گذشته بود، نقل کردند و نهایتاً نوشتند که جزئیات این طرح به تصویب رسیده و برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شده است.

در واقع در مجلس شورای اسلامی در ظرف سه روز بیش از ۲۹ یا ۳۰ ماده به

۵۶

شماره ۲۶ و ۲۵

* متن سخنرانی دکتر محمدعلی اردبیلی، که در تاریخ ۸۰/۳/۱۰ در دانشگاه آزاد اسلامی ترائی ایراد گردید.

تصویب رسید که البته با تغییراتی که اعمال شد و اصلاحیه‌هایی که به مجلس رسید، و نظریاتی که نمایندگان در کمیسیون‌های مشترک دادند، تغییراتی در طرح اولیه به وجود آمد. این طرح را بنده ندیده‌ام، ولی می‌توانم حدس بزنم که از چه الگوهایی گرفته برداری و از چه نوشته‌هایی اقتباس شده است و چه قابلیت‌هایی را پذیرفته.

با این که موضوع قانونی به نام «جرم سیاسی» از همان ابتدای تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح بود و اصل ۱۶۸ این قانون، قانونگذار عادی را موظف ساخته بود که جرم سیاسی را تعریف بکند و همچنین نحوه برگزاری دادرسی، و شرایط اعضای هیئت منصفه و علنی بودن این دادگاه را به صراحت در یک قانون عادی فراهم بکند، اما این اصل همچنان که می‌بینید سال‌ها معطل مانده بود و کم‌تر به این اصل عنایت شده بود، در حالی که در طول این سال‌ها دادرسی‌هایی انجام گرفته بود که شائبه سیاسی بود نشان بسیار قوی بود؛ از این جهت که اعم از متهم سیاسی است، اما چون قانونی در این زمینه وجود نداشت، طبیعتاً این متهم همانند متهم عادی بر اساس مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری عمومی تحت تعقیب قرار گرفته و محکوم شده بود.

از این جهت احساس می‌شود که بخشی از متهمان که باید از بعضی مزایا و امتیازات خاص مجرمان سیاسی برخوردار باشند، برخوردار نبودند و این، تا حدودی مشروعیت بعضی از دادرسی‌ها را در طول این سال‌ها زیر سؤال برده بود. بعد از روی کار آمدن جناب آقای خاتمی که یکی از شعارهایشان، قانونمندی و قانونمداری و فعالیت در چارچوب اصول قانون اساسی بود، رفته رفته به این فکر افتادند که بعضی از اصول قانون اساسی که معطل مانده، یا اجرا نشده است یا درست اجرا نمی‌شود، این اصول را اگر مجدداً نیاز به قانون دارد، اجرایی بکنند. اگر قانونی باید تغییر پیدا بکند، مطابق اصول قانونی اساسی تصویب بشود، مجدداً قانون جدیدی در آن جهت تصویب بکنند و به طور کلی در همان چارچوب برنامه قانونمندی و قانونمداری مسئله جرم سیاسی هم پیش آمد.

من مطالب خود را در دو قسمت خلاصه می‌کنم:

۱. سابقه قانونگذاری جرم سیاسی؛

۲. ذکر یک ماده از این قانون و جنبه‌های این ماده از قانون.

باید دید این مصوبه به چه سرنوشتی گرفتار خواهد شد: موافقت یا مخالفت شورای نگهبان (نظر شورای نگهبان)، برگشتن به مجلس و بعد تصحیح یا موافقت شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصحلت نظام، همه این‌ها مراحل است که قابل پیش‌بینی است.

بر اساس یک بینش، فقط باید ببینیم موضوع جرم چیست. اگر دیدیم اعمال و افکاری علیه ماده سیاسی دولت است، گاهی کافی می‌دانیم. مثلاً اگر کسی آمد و انتخابات ریاست جمهوری را به هم ریخت و اجازه نداد افراد آرای خودشان را به صندوق‌ها بریزند یا به تکالیف قانونیش عمل نکرد، مثلاً صندوق کافی در اختیار مردم نگذاشت چون احساس می‌کند که آرای مردم ممکن است به نفع فلان نامزد انتخاباتی باشد یا موانع را ایجاد کرد که در روز انتخابات مردم نتواند برای انتخابات بروند، می‌گفتند این جرم سیاسی است؛ چون علیه منافع سیاسی و حقوق شهروندان است چون یک بحث بحث منفعت سیاسی و یک مؤلفه و یا یک مصداق منفعت سیاسی دولت، حفظ حقوق شهروندان است. حالا منافع دیگر بماند به این گفتند جرم سیاسی. بعد گفتند این کجا و جرم سیاسی کجا. این آفارشوه گرفته است اصلاً این‌ها جزء سیاست نیست، کار سیاسی ندارد، مسابقه سیاسی ندارد، عضو هیچ حزب سیاسی نیست، به او پول داده و تطمیع کرده‌اند و گفته‌اند این کار را بکن. حالا شما می‌خواهید فردی را که با این غرض و با این انگیزه پلید تطمیع شده، این را از امتیازهای مجرم سیاسی برخوردار بکنید؟ این چنین نیست، پس این دو قطب باید به هم نزدیک می‌شد و با هم در می‌آمیخت تا تعریف تقریباً مختلطی را به وجود می‌آورد.

تعریف مختلط یک تعریف اعتباری است. لذا این پیش‌نویس‌ها تغییر کرد، یعنی حالات افراط و تفریط را کنار گذاشت و این دو دیدگاه را به هم نزدیک کرد، و این چیزی است که در این تعاریفات با تفاوت‌هایی می‌بینیم.

تعریفی را که در مجلس آمده، رسانه‌های گروهی دو جور نقل کرده‌اند که مشخص نیست همین تعریف را مجلس تصویب کرده یا نهایتاً تعریف حقوق بشر اسلامی را تصویب کرده است.

تعریف نمایندگان مجلس عبارت است از: جرم سیاسی فعل یا ترک فعلی است

که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است. هر کاری که با انگیزه اصلاح اخلاقی و پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی و تأمین آزادی‌های عمومی و مانند این‌ها، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا حاکمیت دولت یا اراده سیاسی کشور، یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های قانونی شهروندان انجام بگیرد، جرم سیاسی است.

البته من با احترامی که برای مصوبه مجلس قائل هستم، فعلاً در مقام نقد نیستیم؛ چون این قسمت‌هایی که در مجلس آمده، نظر نمایندگان است و در تعریف، بعضی از نمایندگان مخالف اصلاح اخلاقی بودند و تبصره‌ای در ذیل این ماده آمده که بر اساس آن، در صورتی که انگیزه‌های اخلاقی جرم آلوده به منافع شخصی باشد، جرم جنبه سیاسی ندارد. لذا برخی از نمایندگان پیشنهاد اصلاح آن را دادند و بعضی‌ها پیشنهاد حذف آن را دادند (یعنی پیشنهاد حذف انگیزه اصلاح اخلاقی را). این متن اولیه است.

گفته می‌شود جرم سیاسی دو سر دارد: یا علیه منافع سیاسی دولت است مثل حاکمیت؛ یا جرمی است که حاکمان علیه شهروندان مرتکب می‌شوند. نمونه‌اش ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات است. موارد نادری در قانون تعزیرات هست که به این ترتیب جرم سیاسی محسوب می‌شود و آن مواردی است که حاکمان ممکن است علیه حقوق آزادی شهروندان مرتکب شوند.